

ابیات تازه‌ای از غزلیات نزاری قهستانی

بر اساس دو نسخه کلیات او در کتابخانه‌های روسیه و تاجیکستان

* مهدی رحیم‌پور

** عسگر صلاحی

به یاد مظاهر مصفا

چکیده

نزاری قهستانی یکی از شاعران معروف تاریخ ادب فارسی است که اشعار زیادی در قالب‌های مختلف، اعم از غزل، قصیده، مثنوی، رباعی و ... از او باقی مانده است. بیش از ۱۴۰۰ غزل از او چاپ شده و غزل‌هایی هم دارد که به چاپ نرسیده است. از بین غزل‌های چاپ‌شده نزاری، ابیاتی در برخی دست‌نویس‌ها ضبط شده که در نسخه چاپی نیامده و از نظر مصحح دیوان او دور مانده است. از مهم‌ترین این دست‌نویس‌ها نسخه ارزشمند کتابخانه سالتیکوف شچدرین روسیه (کتابت: ۸۳۷ق)، و نسخه کتابخانه انستیتوی زبان و ادبیات فرهنگستان علوم تاجیکستان (کتابت: ۹۷۲ق)، است که اکثر نسخه‌پژوهان و مخصوصاً نزاری‌پژوهان با آنها آشنا هستند. در مقاله حاضر، ضمن معرفی اجمالی این دو دست‌نویس، ابیاتی از غزلیات چاپ‌نشده شاعر از آن نسخ نقل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نزاری قهستانی، غزلیات، ابیات تازه، دست‌نویس روسیه، دست‌نویس تاجیکستان، مظاهر مصفا

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۳۱

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی / mahdi_rahimpoor@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) / a_salahi@uma.ac.ir

مقدمه

سعدالدین بن شمس‌الدین بن محمد^۱ قهستانی متخلص به نزاری، شاعر قرن هفتم و هشتم هجری است که می‌توان گفت بعد از ناصر خسرو، بزرگترین شاعر اسماعیلی است^۲ و در منابع متعددی از زندگی و برخی آثار او سخن رفته است.^۳ غزلیات و اغلب مثنوی‌های وی منتشر شده، ولی سروده‌های وی در قالب‌های دیگر منتشر نشده است. شمار نسخه‌های برجای مانده از کلیات نزاری اندک است و اغلب نسخه‌ها نیز شامل غزلیات اوست. بنابراین، یکی از علل منتشر نشدن همه اشعار نزاری، در دسترس نبودن نسخه‌های کلیات او بوده است؛ احتمالاً حجم زیاد اشعار و یا شاید عقاید اسماعیلی او نیز در استتساخ محدود کلیات وی بی‌تأثیر نبوده است.

از اشعار نزاری نسخه‌هایی در کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران می‌شناسیم که به تناسب محتوا با عناوین «دیوان نزاری» یا «کلیات نزاری» فهرست شده‌اند.^۴ نسخی که عنوان کلیات نزاری را دارند، شامل اکثر و فاقد شماری از اشعار او هستند.

۱. نزاری (کلیات، گ ۲۹۲ پ) در یکی از قطعاتش، در مصرعی، نام پدرش را صراحتاً گفته است: «شمس دین ابن محمد پدرم طاب ثراه».

۲. تحقیق در سابقه شعر فارسی اسماعیلیه نشان می‌دهد که به‌رغم گستردگی دعوت اسماعیلیان، اشعار زیادی از شاعران پیرو این مذهب باقی نمانده و جز قصیده ابوالهیثم جرجانی (که ظاهراً نخستین تجربه شعر اسماعیلی در زبان فارسی است)، دیوان ناصر خسرو، دیوان قائمیات از حسن محمود کاتب (سراینده سده هفتم هجری)، کلیات نزاری قهستانی و اشعاری از چند شاعر ناشناخته، که اسامی برخی از آنها در دیوان قائمیات (نک. شفیع کدکنی، ۱۳۹۰: چهل و سه) آمده و چند دیوان که متأخرتر از این آثار هستند، اثر زیادی باقی نمانده است. مگر آن‌که به‌مرور زمان از گوشه کتابخانه‌ها آثاری از دیگر فارسی‌گویان اسماعیلی یافت شود؛ مانند دیوان قائمیات که چندی پیش کشف شد.

۳. در مورد نزاری و آثارش عجالتاً نک. بایوردی، چنگیز غلامعلی، زندگی و آثار نزاری، ترجمه مهناز صدری، تهران: علمی، ۱۳۷۰؛ ابوجمال، نادیه، بقای بعد از مغول: [نزاری قهستانی و تداوم سنت اسماعیلی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر فرزانه‌روز، ۱۳۹۲، ص ۶۵-۱۵۹؛ مصفا، مظاهر، «مقدمه» دیوان نزاری، تهران: علمی، ۱۳۷۱ ش.

۴. در مورد نسخه‌های دیوان او نک. بایوردی، ۱۳۷۰: ۱۵-۳۰؛ دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۱/۱۰۰؛ درایتی، ۱۳۹۱: ۹۵۱/۱۵. اشعار مندرج در این نسخه‌ها غیر از اشعاری است که از نزاری در برخی جنگ‌ها و سفینه‌های کهن ←

سخن از ویژگی‌ها و ارزش‌های هر کدام از نسخه‌های پیش‌گفته مجال دیگری می‌طلبد، اما آنچه به این مقاله مربوط می‌شود، عمدتاً مربوط به دو دست‌نویس کلیات اوست که در کتابخانه‌ی سالتیکوف شچدرین یا همان کتابخانه‌ی ملی روسیه در سن‌پترزبورگ^۱ و انستیتوی زبان و ادبیات فرهنگستان علوم تاجیکستان نگهداری می‌شود. نسخه‌ی روسیه که در «اوایل»

→

مضبوط است و تاریخ کتابت آنها بعضاً به ۷۴۱ق (مونس‌الاحرار بدر جاجرمی، حدود بیست سال بعد از درگذشت نزاری) یا جنگ شماره ۲۹۷۹ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران (کتابت در سده‌ی هشتم و نهم) و... می‌رسد. ذکر این نکته ضروری می‌نماید که اشپرنگر در فهرست کتابخانه‌ی سلطنتی پادشاهان اوده نسخه‌ای از دیوان نزاری معرفی کرده که شامل قصاید، غزلیات (بدون ترتیب الفبایی) و مثنوی‌های دستورنامه و ازهر و مزهر (که به اشتباه رمز و ازهر معرفی کرده) است (Sprenger, 1854: 524). او تاریخ کتابت دیوان را مشخص نکرده، و فقط تعداد برگ‌های آن (۴۵۱ برگ) را ذکر کرده و مختصری نیز در مورد خود نزاری آورده که جالب توجه است. این نسخه که هم‌اکنون هیچ نشانی از آن نداریم و سرنوشت آن نیز بر ما نامعلوم است، ظاهراً در زمان فهرست کردن نسخه‌های کتابخانه‌ی مذکور (۱۸۵۴م) به شماره ۴۲۹ در آنجا نگهداری می‌شده است.

همچنین دانش‌پژوه (۱۳۴۶: ۵۰۸) و منزوی (۱۳۵۰: ۱۸۹۵/۳) نسخه‌ای از کلیات نزاری معرفی کرده‌اند که در سال ۷۱۴ق کتابت شده و در اختیار فخرالدین نصیری امینی بوده است. حتی منزوی تصریح به رؤیت نسخه کرده و دقیقاً تاریخ ۴ ذی‌قعدة ۷۱۴ و نیز نام کاتب (محمد فرزند ضیاء‌الدین) را در معرفی نسخه آورده است. محتوای آن نیز شامل قصیده، مثنوی روز و شب، و غزل است. اگر این اطلاعات به‌ویژه تاریخ کتابت آن صحیح باشد، بسیار مهم و ارزشمند خواهد بود. چراکه نسخه در زمان حیات شاعر (حداکثر هفت سال قبل از درگذشت او) رونویسی شده است. اما متأسفانه هیچ اثری از این دست‌نویس در دسترس ما نیست و سرنوشت آن تا کنون بر ما نامعلوم است.

۱. کتابخانه دولتی ام. ای. سالتیکوف شچدرین از مهم‌ترین مراکز نگهداری کتاب و دست‌نوشته‌های اسلامی در روسیه است که پس از کتابخانه لنین در مسکو، دومین کتابخانه ملی آن کشور به حساب می‌آید. این کتابخانه، در اواخر سلطنت کاترین دوم و به سال ۱۷۹۵م، در شهر سنت‌پترزبورگ پایه‌ریزی شد و به تدریج مجموعه‌هایی بدان اضافه شد و در سال ۱۸۱۴م، با نام «کتابخانه عمومی سنت‌پترزبورگ»، و سپس به «کتابخانه عمومی دولتی سنت‌پترزبورگ» و در ادامه به «کتابخانه ملی روسیه» تغییر نام داد. تا این‌که در آوریل ۱۹۳۲م، به «کتابخانه عمومی دولتی ام. ای. سالتیکوف شچدرین» تغییر نام داد و هم‌اکنون نیز به این نام معروف است. این کتابخانه، همچنان‌که گفتیم، از مجموعه‌های مختلفی تشکیل شده که مجموعه ارزشمند بقعه‌ی شیخ صفی در اردبیل یکی از آن مجموعه‌هاست. نسخه‌های شاه‌عباس اول نیز در این مجموعه قرار داشته است. کلیات نزاری هم مربوط به مجموعه بقعه‌ی شیخ صفی است که هم‌اکنون در کتابخانه سالتیکوف شچدرین نگهداری می‌شود (در مورد این کتابخانه، نک. رفیعی، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۸).

رمضان ۸۳۷ق/ آوریل ۱۴۳۴م کتابت شده، کامل‌ترین نسخه کلیات نزاری و شامل همه اشعار اوست. ترتیب اشعار نزاری در این کلیات بدین صورت است: قصاید (۱پ - ۴۲ر)، مثنوی روز و شب (۴۲پ - ۵۰ر)، غزلیات (۵۰پ - ۲۷۲پ)، ترکیبات و ترجیعات (۲۷۳پ - ۲۹۰ر)، قطعات (۲۹۰پ - ۳۲۸ر)، چند مثنوی با بحرهای مختلف (۳۲۸پ - ۳۳۰ر)، مثنوی ادب‌نامه (۳۳۰پ - ۳۵۹ر)، سه نامه منظوم در قالب سه مثنوی جداگانه (۳۵۹پ - ۳۶۹پ)، سفرنامه منظوم (۳۷۰ر - ۳۸۳پ)، دستورنامه (۳۸۴ر - ۳۹۱ر)، مثنوی ازهر و مزهر (۳۹۱پ - ۴۸۷پ)، در انتهای منظومه ازهر و مزهر در دو برگ (۳۸۸ر - ۳۸۹ر) یادداشتی از کاتب نسخه دیده می‌شود که نثری است با مضمون عرفانی در تحلیل منظومه ازهر و مزهر و در پایان یادداشت، تاریخ کتابت نسخه (۸۳۷ق) را ذکر کرده است، رباعیات (۴۸۹پ - ۴۹۹ر).^۱ اولین بار دُرن در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی سن‌پترزبورگ به توصیف این نسخه پرداخت (Dorn, 1852: 365).^۲ بعد از او برتلس ضمن توصیف مختصری از این نسخه، متن و ترجمه روسی دستورنامه را بر مبنای این دست‌نویس

۱. مثنوی دستورنامه به کوشش یوگنی برتلس همراه با ترجمه روسی آن در سال ۱۹۲۶م در لنینگراد منتشر شد. پس از او، مظاهر مصفا در مقدمه دیوان غزلیات نزاری (۱۳۷۱: ۵۷/۱-۲۹۹) بر اساس سه نسخه دیگر، اقدام به تصحیح و انتشار این مثنوی کرد. سفرنامه نزاری ابتدا در سال ۱۹۶۶ به تصحیح چنگیز غلامعلی بایبوردی در لنینگراد بر اساس دست‌نویس‌های روسیه و تاجیکستان منتشر شد و همان چاپ بدون هیچ تغییری در ایران به‌اهتمام محمود رفیعی در سال ۱۳۹۱ش در نشر هیرمند منتشر شد. غزلیات نزاری در دو جلد (جلد اول انتشارات علمی، ۱۳۷۱ و جلد دوم نشر صدوق، ۱۳۷۳) به تصحیح مظاهر مصفا و به‌اهتمام محمود رفیعی منتشر شد که در آنها از دست‌نویس‌های روسیه و تاجیکستان استفاده نشده بود. در مقدمه نیز چند قصیده و قطعه و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند به‌عنوان نمونه آمده است. مثنوی روز و شب بر اساس همین نسخه به کوشش نصرالله پورجوادی در سال ۱۳۸۵ در نشر نی منتشر شد. مثنوی‌های ادب‌نامه و ازهر و مزهر به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ش به کوشش محمود رفیعی بر اساس دو نسخه روسیه و تاجیکستان از طریق نشر هیرمند چاپ شد. نامه‌های منظوم و رباعیات نزاری نیز در یک مجلد به کوشش محمود رفیعی و محمدرضا راشد محصل در سال ۱۳۹۶ از طریق نشر چهاردرخت (بیرجند) چاپ و منتشر شد.

۲. فهرست درن را می‌توان جامع‌ترین فهرست این کتابخانه به حساب آورد؛ قبل از آن، بین سال‌های ۱۸۲۹ - ۱۸۳۰م و نیز بعد از آن فهرست‌های مختلف و متنوعی از این کتابخانه ترتیب داده شده که رفیعی (۱۳۷۸: ۵۸ - ۶۲) به آنها اشاره کرده است.

به همراه شرح احوال نزاری در سال ۱۹۲۶م منتشر کرد.^۱ اکثر تحقیقاتی که در ایران و یا در خارج از ایران در خصوص نزاری و آثارش در نیمه قرن بیستم صورت گرفته بر پایه همین پژوهش برتلس بوده است. بعد از او، مهم‌ترین کاری که در زمینه شناسایی و معرفی این دست‌نویس صورت گرفته، تحقیق ارزشمند چنگیز غلامعلی بایبوردی است که در سال ۱۹۶۶ به زبان روسی منتشر شده و در سال ۱۳۷۰ با عنوان «زندگی و آثار نزاری» در ایران به وسیله مهناز صدری ترجمه و منتشر شد. بایبوردی بر اساس همین دست‌نویس به معرفی نزاری و تحلیل آثارش پرداخته است و پژوهش او را می‌توان از جامع‌ترین و مهم‌ترین پژوهش‌ها درباره نزاری و آثارش قلمداد کرد. وی توضیح نسبتاً مفصّلی هم در مورد ویژگی‌های ظاهری نسخه و محتوای آن (ص ۱۵-۳۰) ارائه داده است. محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۵۸: ۱۴۰) نیز، ضمن معرفی «کتابخانه شچدرین در شهر لنینگراد»، به این نسخه اشاره کرده است. برخی محققان ایرانی نیز بر اساس این دست‌نویس اقدام به تصحیح و انتشار برخی مثنوی‌ها و رباعیات نزاری کرده‌اند که مشخصات آنها را پیش‌تر برشمردیم.

دست‌نویس دیگری که در این مقاله از آن استفاده شده، مربوط به نسخه کلیات نزاری است که در مخزن نسخ خطی انستیتوی زبان و ادبیات فرهنگستان علوم تاجیکستان به شماره ۱۰۰ نگهداری می‌شود. این نسخه در سال ۱۹۷۲ ق کتابت شده و دارای ۴۱۰ برگ و ابعاد ۱۶×۲۵ است. مفصّلت‌ترین معرفی این نسخه را جهانگیر درّی انجام داده، که ظاهراً به صورت کتابی مستقل با عنوان «نسخه استالین‌آباد کلیات نزاری» به سال ۱۹۵۸ در دوشنبه تاجیکستان به زبان روسی منتشر شده، و بایبوردی (۱۳۷۰، ص ۱۷-۱۸) خلاصه‌ای از معرفی او را نقل کرده است. این نسخه به خط نستعلیق، در چهار ستون، در جدول‌هایی با خطوط رنگی (آبی و طلایی) نوشته شده است. ظاهراً اوراق نسخه از هم جدا بوده، و بعدها در کتابخانه ترمیم شده است. در برخی صفحات آن، کلمات و عباراتی بی‌ربط و با خط و قلمی کاملاً متفاوت نوشته شده که معلوم است زمانی در اختیار فرد یا افرادی بیگانه با نسخه

۱. البته پیش از برتلس کارل گرمانویچ زالمان (k.Zaleman) در سال ۱۹۱۵م درخواست تصویری از برخی منظومه‌های موجود در این کلیات را جهت تحقیق یا احتمالاً نشر آنها کرده بود، اما تاکنون هیچ تحقیق یا تصحیحی از سوی او در باره نزاری و آثارش منتشر نشده است (نک. بایبوردی، ۱۳۷۰: ۱۰).

بوده است. این کلیات، هم به لحاظ تقسیم‌بندی و هم از نظر ضبط اشعار، شباهت بسیار زیادی به دست‌نویس روسیه دارد و اگر عیناً از روی نسخه مذکور رونویسی نشده باشد، می‌توان گفت هر دو از روی نسخه‌ای واحد کتابت شده‌اند. متأسفانه، بخش قصاید نسخه تاجیکستان کاملاً از اصل نسخه جدا شده و تنها هشت بیت پایانی آن باقی مانده است که دقیقاً برابر است با هشت بیت انتهایی نسخه روسیه. اصلی‌ترین اختلاف متن این دو نسخه، مربوط به گویش‌ها و لهجه‌هاست: مثل زبان/زبان، خم/خنب و

با بررسی این دو نسخه به این نتیجه رسیدیم که برخی ابیات از تعدادی از غزل‌های نزاری مصحح مظاهر مصفا، افتاده است. به عبارت دقیق‌تر، در نسخه‌های مورد استفاده ایشان برخی غزل‌ها ناقص بوده‌اند، بنابراین، با مراجعه به این دو نسخه می‌توان آن غزلیات را تکمیل کرد. همچنین این نسخه‌ها، به‌ویژه نسخه روسیه، از صحت بیشتری برخوردارند و نسخه‌های مضبوط و دقیق‌تری هستند؛ لذا، جز در موارد بسیار اندک، می‌توان به آنها اعتماد کرد. تصحیح مصفا، به‌رغم ارزش‌هایی که دارد، از امتیاز برخوردار از ضبط‌های دقیق این نسخ محروم مانده است. نسخ روسیه و تاجیکستان نه تنها می‌توانند به رفع برخی نقایص غزلیات چاپ شده نزاری کمک کنند بلکه ضبط‌ها در آنها نیز دقیق‌ترند. ابیات زیر محض نمونه نقل می‌شود:

کلماتی در بیت ششم از غزل ۵۴۳ (۱۱۳۵/۱) در نسخه‌های مورد استفاده مصفا ناخوانا بوده و به این صورت ضبط شده‌اند:

در حک بدید احمد جام زان به جام کردند

در نسخه روسیه بیت به شکل زیر مضبوط است:

در خیک بدید احمد جام زان کُنیت او به جام کردند

(گ ۱۲۰پ)

توجه به بیت قبلی مفهوم این بیت را نیز روشن می‌کند:

چون صورت جان بدید در جام زان نسبت جم به جام کردند

(همان جا)

واژه‌ای در بیت هفتم غزل ۵۴۶ (۱۱۳۸/۱)، به دلیل نداشتن ضبط درست در نسخه‌ها،

با حدس و گمان چنین تصحیح شده:
بر ترک حطام نام [و ناموس] سد محضر پرگواه دارند
عبارت داخل [] افزوده مصفاست و در هیچ نسخه‌ای چنین ضبطی نیست. همچنان‌که
خود ایشان در پاورقی شرح داده‌اند، در نسخه‌ای عبارت «ماحوس» ضبط شده بود و چون
معنایی نداشت، قیاساً آن را به «ناموس» تبدیل کرده است؛ اما در دست‌نویس روسیه، این
عبارت به درستی کتابت شده است:
بر ترک حطام و نام با خویش صد محضر پرگواه دارند
(گ ۱۲۰ پ)

بیت قبل نیز این مفهوم این بیت را تأیید می‌کند:
کردند به ترک ترک دنیا زان ترک چنین کلاه دارند
(نزاری، ۱۳۷۱: ۱۱۳۸/۱)

در غزل ۸۵۹ (همان: ۱۰۷/۲) بیتی به این صورت آمده است:
[به خاطر یاوه می‌رانم] سخن با هر که می‌گویم به باطن دوست می‌بینم نظر [با هر] که اندازم
عبارت‌های داخل قلاب، به دلیل این‌که شرحی در پاورقی ندارد احتمالاً از یکی از نسخ
کمکی وارد متن شده است. اما با توجه به مفهوم کل غزل و ابیات پس و پیش، به ویژه مصراع
اول، معنای درست و دقیقی ندارد. صورت درست آن را از روی دست‌نویس‌های روسیه و
تاجیکستان نقل می‌کنیم:
به خاطر با دلارام سخن با هر که می‌گویم به باطن دوست می‌بینم نظر بر هر که اندازم
(گ ۱۹۶ پ)

با این ضبط معنی بیت روشن و بدون ابهام است.
بیتی از غزل ۸۶۹ (نزاری، ۱۳۷۱: ۱۱۹/۲) ظاهراً مخدوش بوده، و مصفا آن را بنا بر
حدس تصحیح کرده است:
[سر و جان جمله] فدای قدمت خواهم کرد بیش از این دست‌رسم نیست که بس درویشم
با توجه به نسخه روسیه، بیت را این‌گونه باید نقل کرد: «نیم‌جانی است فدای قدمت
خواهم کرد...» (گ ۱۹۹ ر).

عبارتی از بیت پنجم غزل ۸۷۶ (نزاری، ۱۳۷۱: ۱۲۷/۲) در نسخه‌های مورد استفاده مصحح ناخوانا بوده و ایشان به جای آن، نقطه چین (...) گذاشته است:

..... با رقیب کوی تو گفتم
اگر به لطف نمی خوانیم به قهر مرانم

در پاورقی، آنچه در نسخه‌ها شبیه به عبارت مورد نظر بوده، به این صورت نوشته است:

«بمشنعات شد». با مراجعه به دست‌نویس روسیه، ضبط دقیق این مصراع مشخص می‌شود:

«به مستغاث شدم با رقیب کوی تو گفتم...» (گ ۲۰۰ پ).

بیت سوم از غزل ۹۱۱ (نزاری، ۱۳۷۱: ۱۵۸/۲) چنین است:

ای دل آشفته خاطر گر به مقصد [رهبری]
پای مجروح است و سیرت بر صراط مستقیم

در پاورقی در توضیح ضبط «رهبری» نوشته‌اند: «نسخه‌ها: روی، متن تصرف است»، که نشان می‌دهد، این واژه پیشنهاد و برافزوده خود مصحح است و در هیچ نسخه‌ای چنین ضبطی نیامده است. ویژگی «رهبری» هم برای دل آشفته خاطر کمی «غریب» است. ظاهراً آنچه که در نسخ روسیه و تاجیکستان به جای «رهبری» آمده و سایر نسخ هم تا حدی آن را تأیید می‌کند، معقول‌تر است. در این نسخ آمده:

ای دل آشفته خاطر گر به مقصد می‌روی
پای مجروح است و سیرت بر صراط مستقیم

بیت انتهایی غزل ۱۰۰۸ (نزاری، ۱۳۷۱: ۲۵۶/۲) را استاد مصفا چنین آورده‌اند:

[مرا برفت ز غربت] ز دست دامن دل [کنار] ارمن و گرجم، چه گرج و چه ارمن

ظاهراً متن از تصرفات خود مصحح است و برخی نسخ، از جمله نسخه‌های روسیه و تاجیکستان، این بیت را به صورت ذیل که درست‌تر به نظر می‌رسد، ضبط کرده‌اند:

قیامت است به غربت ز دست دادن دل
کهای ارمن و گرجم، چه گرج و چه ارمن

و نمونه‌های فراوانی از این دست که خود نیازمند تحقیق و بررسی جداگانه‌ای است و پرداختن به آنها موضوع مقاله حاضر نیست.

اکنون ابیات افتاده غزلیات چاپ‌شده نزاری از روی دو نسخه روسیه و تاجیکستان نقل می‌شود. علاوه بر این ابیات، حدود ۱۶۰ غزل نیز در این دو نسخه آمده که در دیوان غزلیات چاپی نیست، و به سبب شمار زیاد آنها، مستلزم تصحیح و انتشار مستقل و جداگانه‌ای است.

در اینجا ابیات جدید غزلیات نزاری را نقل می‌کنیم، اما قبل از آن ذکر این توضیحات ضروری می‌نماید:

- ابیات تازه غزلیات ۱۶۲ بیت است؛

- برخی ابیات تازه دارای ابهام هستند، که نگارندگان در حد بضاعت علمی خود نسبت به رفع ابهام آن ابیات اقدام و توضیحات لازم ارائه کرده‌اند. افزون بر این، به ابیاتی سست و ضعیف برمی‌خوریم که در نگاه اول به نظر می‌رسد از نزاری نیست، بلکه بعدها به قلم فرد یا کاتب دیگری به غزلیات اضافه شده است. این احتمال به دلیل قراین موجود که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد، خیلی ضعیف است. با این حال، باید متذکر شویم که غزلیات نزاری دارای غث و سمین است و همچنان که غزلیاتی زیبا با مضامین عالی دارد، غزلیات سست هم کم ندارد، و این «قولی است که جملگی برآند»^۱.

- ابیات را بر اساس نسخه روسیه آورده‌ایم و شماره برگ‌های مقابل ابیات مربوط به این دست‌نویس است. ضبط‌های نسخه تاجیکستان را، در صورت اختلاف با نسخه روسیه، با علامت اختصاری «ت» در پاورقی شرح داده‌ایم.

۱. از دیرباز اشعار نزاری مورد توجه بوده و در مورد سبک و حتی مضامین آنها اظهار نظر کرده‌اند، به‌ویژه درخصوص مضامین اسماعیلی شعر او. شاید اولین منتقد شعر نزاری، عبدالرحمان جامی (۱۳۸۷: ۱۰۵) باشد که ضمن توصیف سبک حافظ، می‌گوید: «سلیقه شعر وی [= حافظ] نزدیک است به سلیقه نزاری قهستانی، اما در شعر نزاری غث و سمین بسیار است، به‌خلاف شعر وی». قبل از او البته کاتبی نیشابوری (د. ۸۳۸ق)، در قالب بیتی، فرزندش را از ادامه شیوه نزاری برحذر می‌دارد؛ البته کاتبی در این بیت بیشتر به عقیده نزاری توجه دارد نه به ویژگی‌های شعری آن. او به فرزندش توصیه می‌کند که مثل عطار، مولوی و فردوسی باشد، نه مثل نزاری که به‌سبب پیروی از عقاید امامی اسماعیلی خود، در رنج و عذاب بوده است:

ورسخن همچون امامی باشدت
رسختن از غم چون نزاری نبودت
یا به بیت‌الله امامی باشدت
عاقبت غیر از نزاری نبودت

در مصراع اول ظاهراً به امامی هروی توجه دارد (نک. دیوان کاتبی، نسخه شماره ۲۶۱۵ کتابخانه مجلس، ص ۸۱). علاوه بر منابع کهن که اغلب دیدگاه‌هایی کلی نسبت به اشعار نزاری دارند، در دوره معاصر مقالات و کتاب‌های زیادی در این زمینه وجود دارد که از آن میان می‌توان به بایوردی (۱۳۷۰: ۲۲۴-۲۵۹) و مصفا (۱۳۷۱: ۳۰۱ به بعد) اشاره کرد که مفصلاً به بررسی سبک شعر نزاری و تأثیر و تأثرات اشعار او پرداخته‌اند.

ابتدا شماره غزلی را که ابیات بازیافته نزاری در آن بود آورده و سپس ردیف هر بیت تازه را نشان داده و آن گاه بیت/ ابیات را نقل کرده ایم^۱:

غزل ۱۱، انتهای غزل:

بُیْر ز صحبت نامحرمان که تا بر شاخ
بود، گزیر نباشد ز خار^۲ خرما را
(گ ۵۱ر)

غزل ۳۳، پس از بیت پنجم:

مرا گر نداند کسی گو مدان
خداوند بایسد که داند مرا
(گ ۵۵پ)

غزل ۹۸، پس از بیت نهم:

هم سکندر شد حجاب خود به خود خیری نیافت
زندگی دادن تصوّر چون توان کرد از ممات^۳
(گ ۸۱پ)

غزل ۱۴۵، پس از بیت هفتم:

حذر کن تا نسوزد^۴ آفتاب
از آن رسوا نشد جان چون^۵ دل شوخ
امان در سایه خورشید عشق است
که جان در سایه خورشید عشق است
(گ ۷۰ر)

غزل ۲۱۴، پس از بیت سوم:

چرا سزای ملامت منم، قضاء سدوم
چو پرده از سر این راز دل برافکن دست
(گ ۸۷ر)

۱. در اینجا از دوستان فاضلم، دکتر فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی و عباس بگجانی، که در خوانش برخی ابیات پیشنهادهای ارزشمندی داشتند، صمیمانه سپاسگزاریم.

۲. ت: بود ز خار نباشد گزیر.

۳. ت: موات.

۴. ت: بسوزد.

۵. ت: چون جان.

غزل ۲۲۸، پس از بیت پنجم:

در انتظار مژده تشریف وصل دوست
جانا دلم بر آتش هجران بسوختی
بر جان من ببخش که بر جان عاشقان
زین بیشم انتظار مده کز شب وداع
خواب و قرار و صبر و شکیب از کجا بود
دستم نمی‌رسد به تو از پای بستگی
بی‌موجبی نزاری خود را جدا مکن

پیوسته گوش بر خبر و دیده بر درست
وز تاب و تفّ سینه زبانم چو اخگرست
هر سختی که هست ز هجران دلبرست
با روز مرگ زندگی من برابرست
آن را که شب بر آتش سوزنده بسترست
این نیز هم ز طالع بخت بد اخترست
از خویشتن، که یار وفادار کمترست
(گ ۸۸)

غزل ۲۶۵، دو بیت پس از بیت هفتم و یک بیت بعد از بیت هشتم:

رخصت تاویل محض باز نمودن کراست؟
رحبه^۱ معنی طلب رخنه صورت مجوی
قید بریت چنین بیش توان بود، نه

ظاهر تنزیل را حاجت این گفت و گوست
پستی بالای من اوج کمال علوست
عالم وحدت یکیست نی چو بریه دوتوست
(گ ۹۷ پ)

غزل ۲۶۶، انتهای غزل:

تا به کی جان کندن از هجران که دل

خون شد از بس انتظارم آه دوست
(گ ۷۲)

غزل ۲۷۹، پس از بیت هفتم:

گو زاهد صدساله که این زاهد یک‌دل^۲

زَنّار برو بندد اگر خواجه چشت است
(گ ۸۴ پ)

غزل ۲۸۲، پس از بیت نهم:

چون نشدی عاشق ای فقیه ز رفتی

باده بخور رایگان بگیر که مفت است
(گ ۸۵ ر)

۱. ت: رخنه.

۲. ت: یک‌دین؟

غزل ۳۰۲، پس از بیت چهارم:

که از بیم تیر و کمانش گمان
مبر کاتصالش ازان سوست، نیست
(گ ۷۳ب)

در غزل ۳۵۶ دو مصرع نسبت به دست‌نویس‌های روسیه و تاجیکستان کمتر است که باعث شده تعداد ابیات چاپی یک بیت کمتر از دست‌نویس باشد. ظاهراً در دست‌نویس‌های مظاهر مصفا این جابه‌جایی و حذف مصراع‌ها صورت گرفته بوده که به کمک دو نسخه یادشده، این دو مصراع را در کنار مصراع‌های اصلی‌شان نقل می‌کنیم:

گر ننهی با دگری در میان
بازنگویید که فلان بازگفت
قصه حلاج شنیدی که چون
سرّ نهان‌خانه جان بازگفت
(گ ۸۰ر)

مصراع دوم بیت اول و مصراع اول بیت دوم در چاپ استاد مصفا نیست.

غزل ۴۴۹، پس از بیت هفتم:

سالها عقل سرّ اسرارم
داشت پنهان و عشق پیدا کرد
(گ ۱۳۲ب)

غزل ۴۶۴، پس از بیت چهارم:

مردده همچون مسیح زنده کند
لطف او هرکس را که بنوازد
(گ ۱۳۳ر)

غزل ۴۶۹، بعد از بیت پنجم:

عشق تا کیست که با این همه سرگردانی
هر زمان با دل دیوانه ما بستیزد
(گ ۱۳۳ر)

غزل ۴۸۰، بعد از بیت ششم:

گرش دشمن ز بهر دوست در آماج بنشانند
ز پیشانی هدف سازد، وفا پیشش سپر باشد
(گ ۱۱۳ر)

غزل ۴۹۱، بعد از بیت چهارم:

گر این قامت مرا باشد همین بس
قیامت سهل باشد گر نباشد
(گ ۱۱۶ر)

غزل ۴۹۳، به ترتیب بعد از ابیات دوم و چهارم:

این گوشه‌نشینی بود ای زاهد مسکین
آنجا که تویی موضع گوشانه نباشد
عارف نبود گر همه خود روح امین است
کش عادت پیمودن پیمان‌ه نباشد
(گ ۱۱۴ پ)

غزل ۴۹۹، بعد از ابیات چهارم و پنجم:

اگرچه خون شدم اما نکرده‌ام خونی
تو احتیاط کن احوال ما چنین باشد
نزاریا بنشین در وفا و خوش برخیز
به رغبت از سر جان شرط ما برین باشد
روا مدار که بی آفتاب طلعت دوست
به غیر سایه کسی با تو هم‌نشین باشد
(گ ۱۱۵ ر)

غزل ۵۰۴، پس از بیت پنجم:

به قامت که تو را با چنان دو زلف، کلاه
نکوتر، ارچه که بغتاق هم نکو باشد
(گ ۱۱۵ ر)

غزل ۵۱۷، بعد از بیت چهارم:

آتشی دارم که خام از من ندارد آگهی
گر کند بر سوزناک افسرده انکاری چه شد
بی دل و جان از پی دلدار و جانان آمدند
جان به جانانی سپردم دل به دلداری چه شد
گو مرا می‌سوز بر آتش خلیل ای دوستان
گر خلیل آتش کند بر دوست گلزاری چه شد
گردن تسلیم دارم پیش گو می‌زن قفا
هرچه بیزاری نباشد گر شد آزاری چه شد
نیست جز یکدم وزان دم نیست حاصل جز دمی
گر دمی یاری بر آوردست نایاری چه شد
زاری می‌رفت و بر مسکین نزاری رحم کرد
گر کسی رحمت کند بر ناله زاری چه شد
(گ ۱۱۸ ر)

غزل ۵۳۸، بعد از بیت ششم:

پس رو و هم‌اند، ازان محروم ماندند از مراد
بر سر آب آمدند و چشمه می‌انباشتند^۱
(گ ۱۳۵ ر)

۱. چشمه انباشتن، احتمالاً به معنی کور کردن و انباشتن و مسدود کردن چشمه است.

غزل ۵۴۹، بعد از بیت اول:

روزگاری است که آن طایفه را می طلبم

که به خود هیچ نباشند و همه او باشند
(گ ۱۳۶ر)

غزل ۵۵۲، دو بیت بعد از بیت دوم، و یک بیت بعد از بیت پنجم:

لطف تو^۱ گر به حدیثی زبر و زیرم کرد
بد مکن با من بیچاره از آن روز بترس
عشق بر ناز تو زیباست اگر حسن کنی

چه شود با من اگر یک نفس اعزاز کند
که خدا با تو همان کرده تو باز کند
بازی حسن تو ختم است اگر ناز کند
(گ ۱۲۱ر)

غزل ۵۵۳، انتهای غزل:

نظر برفت و دل بی گنه نمی یارد

که با نظر به ضرورت موافقت نکند
(گ ۱۲۲ر)

غزل ۵۵۹، بعد از بیت پنجم:

آلا به تو کسی نباشد خداشناس

اینک سوال زنده دلانی که با تو آند
(گ ۱۱۹پ)

غزل ۵۶۱، پس از بیت دهم:

که بر شمع رویش نباشد عجب

که در روم پروانه پیدا بود
(گ ۱۲۴پ)

غزل ۵۶۸، پس از بیت پنجم:

باری به هیچ واسطه باری دگر به عقل^۲

راهی نمی گشاید و باری نمی رود
(گ ۱۲۵پ)

غزل ۵۶۹، بعد از بیت ششم:

خطاست دعوی تمییز کرده بی آرام
خروج عشق چو آوازه در جهان انداخت

چو مهره دزد بود شرطه پاکباز چه سود
ز نام و ننگ تو برخواست ستر راز چه سود
(گ ۱۲۶ر)

۱. ت: لطفت.

۲. ت: وصل.

غزل ۵۸۸، انتهای غزل:

سرزنش دشمنم خوش آید و در گوش

پنسد نصیحت فروش بازنیاید
(گ ۱۲۹ر)

غزل ۵۹۲، بعد از بیت پنجم:

حقیقت است که در عشق ناگذشته ز درد
به خویشتن نتواند رسید دوست به دوست

کسی اگر چه حیل کرد در دوا نرسید
به پادشاه کسی جز به پیشوا نرسید
(گ ۱۲۹پ)

غزل ۶۰۹، انتهای غزل:

هم بدو بشناس او را والسّلام

نیست الا وجهه وجهی دگر
(گ ۱۴۶ر)

غزل ۶۲۰، در انتهای غزل بیتی نقل شده که یک مصراع آن، طبق نوشته کاتب در حاشیه

به «لفظ تونی» است:

کس را مجال قربت او نیست جز ترا

ای اُمّزَند کوجُمَنکی مَشو پیور^۱
(گ ۱۴۷ر)

غزل ۶۳۵، بعد از بیت دوم:

به خود مرو که ز دروازه حدوث و قدم

کسی برون نشود بی حصول خطّ جواز
(گ ۱۴۹ب)

غزل ۶۴۲، بعد از بیت یازدهم:

منتی بر دوست وانگه ناقبول

چیست این چندین خروش و ولوله

در میان جان ببین او را کزوست

مشرکان حرمان و حسرت می برند

جز نیازش نیست هم‌ره ای عجب

عاشق تنها و آنگه حسن و ناز^۲
ار نقاب از گوشه‌ای افکنند باز
روضه جان محب در اهتزاز
موقنان همچون نزاری محض راز
بی نیازی بایدهش چون بی نیاز

۱. حرکت‌گذاری مصراع از کاتب است.

۲. ت: حسن ناز.

عاجزان را در مراتب عیب نیست
عجز بـردن با در عاجزنواز
(گ ۱۵۱)

غزل ۶۵۵، پس از بیت سوم:
با شراب تلخ دندان طمع

وقت دعوی کی توانی کرد تیز
(گ ۱۵۲ ب)

غزل ۶۵۷، به ترتیب پس از ابیات اول، چهارم و پنجم:

خون در عروق بفسردم همچو رویناس^۱
در زیر روی پاره نماید نهفته لاس
افیون به کار برده خبر از ظنین طاس
(گ ۱۵۳)

بی می نزارتر ز زیرم که زمهریر
فردا چو چرخه باز نماید خجل شوی
صندوق ساعت است سپهر و درو نشد

غزل ۶۷۱، پس از بیت هفتم:
ما به معنی پادشاه ملکتیم

ملک ما را هیچ فرمان گو مباح
(گ ۱۵۶)

غزل ۶۷۳، انتهای غزل:

چه می خواهی؟ نخست آماده کن جاش
(گ ۱۵۸)

کجا بنشیند این تنگ آشیان باز

غزل ۶۸۸، آخرین بیت غزل:

تا داد خلاص آخر از عقل جگر خوارش
(گ ۱۵۹)

هم عاقبت از ظلمت ره یافت به نور دل

غزل ۷۰۱، پس از بیت پنجم:

از کیست مرا؟ ز اهل بیمنش
(گ ۱۶۰)

این مرتبه بزرگ، حاصل

غزل ۷۰۶، پس از بیت هفتم:

کم می زن و نقشش باز می پوش
(گ ۱۶۱)

کز خلق نهان بمانده این راز

۱. این بیت در فرهنگ جهانگیری (انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ۲۰۱۲/۲-۲۰۱۳) هم، ذیل مدخل «رویناس»، به نام نزاری به عنوان شاهد نقل شده است.

غزل ۷۲۰، بعد از بیت اول:

کشم در پای‌ها جانش، دهم بر دیده‌ها جایش
(گ ۱۶۲پ)

وگر هیچم به پرسیدن دهد تشریف و بنوازد

غزل ۷۴۵، بعد از بیت نهم:

به عشق و جمله بر تقلید عاشق
(گ ۱۶۶ر)

تقرّب می‌کنند ارباب طامات

غزل ۷۴۶، بعد از بیت هفتم:

نه ادهم و نه اشهب و نه اشقر و نه ابلق
(گ ۱۶۶ر)

با بارگیر عیسی بی بار خر بسازم

غزل ۷۵۱، بعد از بیت سوم:

هم نام به باد رفت و هم ننگ
(گ ۱۶۷ر)

هم نامه سیاه گشت و هم دل

غزل ۷۵۹، انتهای غزل:

کز سموم آید برون روح شمال

در شراب آن‌گه توان دید آب خضر

۱. گرچه این غزل در اغلب نسخه‌های کهن دیوان نزاری و چند سفینه مهم از جمله سفینه صائب (۱۳۸۵: ۲۳۷) جزو اشعار اوست، اما در برخی نسخه‌ها به نظامی هم منسوب است (نک. وحید دستگردی، ۱۳۱۷: ۲۳۱؛ نظامی، ۱۳۶۲: ۲۹۶)؛ وحید دستگردی آن را با احتیاط به نظامی منسوب کرده و از همین رو، غزل را در قسمت غزل‌های مشکوک نظامی نقل کرده است. با توجه به این‌که در اغلب نسخ از جمله همین کلیات نزاری و نیز سایر نسخ قدیمی اشعار وی، غزل مورد بحث به اسم نزاری آمده، به احتمال زیاد از اوست؛ اما آنچه باعث می‌شود اندکی نسبت به این انتساب تردید کنیم، وجود این غزل در مجموعه‌ای است با تاریخ کتابت ۷۲۸ق در کتابخانه ایاصوفیه به شماره ۴۸۱۹ (گ ۲۰۵پ) که در آنجا ذیل نام نظامی آمده است. گرچه ۷۲۸ق هفت الی هشت سال بعد از درگذشت نزاری است، ولی نزدیکی تاریخ درگذشت او با تاریخ کتابت مجموعه دلیل چندان محکمی بر رد انتساب آن به نزاری نمی‌تواند باشد. اهمیت نزاری در همان دوران نیز بر گردآورندگان مجموعه‌های ادبی روشن شده بود و در جنگ‌هایی نظیر جنگ علامرندی (۷۹۲ق) هم غزلیاتی از او دیده می‌شود. با این حال، تا یافتن دلیلی محکم‌تر، چون بسیاری از نسخه‌های مهم و قدیمی دیوان نزاری حاوی این غزل است، باید عجلتاً آن را از نزاری دانست. گفتمنی است که در همان سفینه صائب (۱۳۸۵: ۲۱۵) غزلی از نزاری، ذیل نام نظامی آمده که «در دیوان نزاری قهستانی هم دیده شد». شاید شباهت تخلص دو شاعر (نظامی/نزاری) هم بی‌تاثیر نبوده است.

آنچه آوردید از فطرت از آن

هیچ بیرون نیست چند از قیل و قال
(گ ۱۶۹ پ)

غزل ۷۶۰، آخرین بیت غزل:

نفاذ یافته از بارگاه خسرو عادل
(گ ۱۷۰ پ)

به استقامت حالت مگر شود قره‌تمغا

غزل ۷۶۲/ بعد از بیت پنجم:

اگر من و تو نباشیم عشق را چه خلل
نشد حواله تکلیف عشق هیچ عمل
(گ ۱۷۰ پ)

چو عشق ما ز ازل بوده تا ابد باشد
معین است که ما را چه شغل فرمودند

غزل ۷۷۱، انتهای غزل:

به نور مقدس شود مکتحل
(گ ۱۷۴ ر)

جز او را نبینی چو چشم دلت

در دست‌نویس روسیه بیت زیر نیز که دارای تخلص شاعر است، در انتهای غزل ۷۷۱ آمده است:

نزاری اگر وحدت آرزوست طمع بگسل از کثرت جان ودل
اما با جستجو در دیوان چاپی غزلیات نزاری بیت پیش‌گفته در انتهای غزل ۷۸۱ (نزاری، ۱۳۷۱: ۱۴۰۲/۲) آمده است؛ در حالی که غزل مذکور خود دارای تخلص است و بعید است شاعر در یک غزل دو بار پیاپی تخلص کرده باشد:

نزاری ز اندازه بیرون مشو نه غالی نه قاصر بلی معتدل
بنابراین به نظر می‌رسد بیت نزاری (اگر وحدت آرزوست...) به غزل ۷۷۱ مربوط است، نه ۷۸۱؛ به‌ویژه این که طبق گفته مصحح، این بیت در اغلب نسخه‌های مورد استفاده ایشان در انتهای این غزل نیامده (نک. نزاری، ۱۳۷۱: ۱۴۰۲، پاورقی ۱۶) و ظاهراً تنها در یک نسخه در انتهای این غزل آمده که احتمالاً به دلیل وزن و قافیه مشترک، کاتب آن را به اشتباه وارد این غزل کرده است.

غزل ۷۸۷، بعد از بیت ششم:

میان آتش اگر در روی کرامت نیست
ز چشمه خم اگر عاقلی برآور غسل
به خون دختر رز قصد چون کند عین
خوش است چنگ محبت فتاده در رگ جان
فسرده را چه خبر زانک تر و خشک بسوخت

بدین سخن نکند التفات جز مجهول
به آب در نرود مرد کی شود مغسول
که ممتنع بود از منجمد خروج و دخول
ز یکدگر نشده منفصل چو ضرب اصول
نشسته غافل و مشتاق در سلوک و عجول
(گ ۱۷۳ ر)

غزل ۸۲۴، ابیات اول و دوم بعد از بیت‌های سوم و چهارم و سه بیت بعدی بعد از بیت پنجم:

تو زان می نخوردی که ما، پس چه دانی
چو باور ندارند از من همان به
سیه کاس گانم ندانند آلا
عجب آتشی دارم و این عجب‌تر
مقامات مردانِ دَر دستِ وِردم

که مستی ما بر مزیدست هر دم
که طومار زهد و ورع درنوردم
مقیمان ایمن گنبد لاژوردم^۲
که دلها همی سوزد از آه سردم
مغیلان بیدای عشق است وِردم
(گ ۱۹۴ ر)

غزل ۸۳۶، بعد از ابیات دوم پنجم:

هیچ بر من نگذشتی تو یکی شب به همه عمر
با من این شرط بکردی که ولایت بفروشی
تیغ مرگ از رگ شریان بکند گر بتوان کرد

هیچ نامه نرسید از تو و من وا برسیدم
عهد من بین که ولایت به دو عالم بخریدم
خون مهر تو که با شیر ز پستان بمکیدم
(گ ۱۹۳ پ)

غزل ۸۳۷، بعد از بیت هشتم:

چو خار در جگرم می‌زند زمانه جافی

گلی که از چمن باغ روزگار بچیدم
(گ ۱۹۳ پ)

غزل ۸۵۹، دو بیت اول بعد از بیت سوم و دو بیت بعدی بعد از بیت چهارم:

مرا گو هرچه می‌خواهند می‌گویند بدگویان
که می‌داند که من با او چه عشق است اینکه می‌بازم

۱. این غزل به همراه چند غزل دیگر به دلیل افتادگی یک بیت از میانه نسخه در نسخه «ت» موجود نیست.

۲. ت: لاجوردم.

بیار ای ساقی مستان به می ما را ز ما بستان
وگر مسمارم از غفلت^۱ نهد بر فقل پیشانی
به خاری گرچه بسیاری براند دوست از پیشم

بساز ای مطرب مجلس بگیر آهنگ آوازم
چو سندان زیر خایسکش نباید داشتن گازم
هنوز امید می دارم که بنوازد به اعزازم
(گ ۱۹۷ر)

غزل ۸۶۹، بعد از ابیات دوم و چهارم:
در حجاب از تو بماندست چنین شاهد وصل
گرچه شایسته^۲ قربان تو نتوانم بود

راست گویم ز محال دل دوراندیشم
سعی کن بوک تو آزاد کنی از کیشم
(گ ۱۹۸ر)

غزل ۸۷۷، پس از بیت هفتم:
کمترین بنده هندوی توام شرط^۳ این است

که تو سلطانی و من بنده درویشانم
(گ ۲۰۱ر)

غزل ۸۷۸، پس از ابیات اول و دوم و هفتم:
بلی^۴ شوریده ام عاشق ولیکن عاشق صادق
به جنت کی دهم گردن به زاری زاهدی کردن
نزاری^۵ سخن فربه زبان را در ببندی به

نیم زان زاهد فاسق که من بی مکر و دستانم
نخواهم خون خود خوردن که من مردی مسلمانم
سخن طرزی دگر در ده که برهان گردد آسانم
(گ ۲۰۰ پ- ۲۰۱ر)

در دیوان چاپی، تخلص شاعر در بیتی دیگر آمده است:

عیان بی عیان گفتم نشان بی نشان گفتم
نزاری ترک جان گفتم کنون در بند جانانم
(نزاری، ۱۳۷۳: ۱۲۹/۲)

اما در نسخه خطی این بیت که ذیلاً نقل می شود، تخلص ندارد، بلکه تخلص نزاری در
بیتی است که پیش تر آوردیم:

عیان بی عیان گفتم نشان بی نشان گفتم
ازین پس ترک جان گفتم کنون در بند جانانم
(گ ۲۰۱ر)

۱. ت: غیرت.

۲. ت: برآزاد.

۳. س: سر.

۴. ت: یکی.

غزل ۹۱۰، پس از بیت هفتم:

شبی بود که به بالا رسد چو آه یتیم
(گ ۲۰۳ پ)

چنین مناز به بالا که دود سینه من

غزل ۹۱۱، بعد از بیت دوم:

همچنان مسکین تتبع می کند قلب سلیم^۱
(گ ۲۰۵ ر)

گر همی سوزد حبیب ار می نوازد چاره نیست

غزل ۹۲۱، بعد از ابیات سوم، ششم و هفتم:

ما هم از فرزند آزاد و هم از زن فارغیم
ما هم از ما بی نشانیم و هم از من فارغیم
جمله بر خود سوختیم از خوید و خرمن فارغیم
(گ ۱۸۶ پ)

مهر فرزند و هوای زن کجا و ما کجا
ما و من باشد حجاب دیده بینندگان
حاصل کشت و درو در ابتدا و انتها

غزل ۹۲۹، بعد از بیت پنجم:

غمزه^۲ چشم سیه و طاقچه ابرویم
(گ ۲۰۸ ر)

می فریبند و سراسیمه چنین می دارند

غزل ۹۳۸، بعد از بیت اول:

بباید داد، محرم را اوام است آن اوام است آن
(گ ۲۰۸ پ)

مرا جام الست، البته، چون قالوا بلی گفتم

غزل ۹۵۵، به ترتیب بعد از ابیات اول، دوم و چهارم:

به غربت بعد از این عاشق میاید ای پشیمانان
اگر با دوست دیداری نمی بود از نگه بانان
سرافشان بر عقب رفتند و ایشان دامن افشانان
(گ ۲۱۵ پ)

به شهر دشمنان مردن به از عزم سفر کردن
به مشتاقان فرستادی سلامی گاه گاه آخر
بسی سیمین زنخدان را نزاری همچو بان زر

۱. ت: قلب السلیم.

۲. ت: خون.

غزل ۹۵۶، بعد از بیت دوم:

نه یار^۱ با من و نه دل چگونه بی دل و یار^۲
ز آب دیده زمین کرده ام چو گلزاری
به جور می کشدم یار و این بتر که مرا
سفر کنند زهی مشکل ای مسلمانان^۳
به هر مقام و به هر منزل ای مسلمانان
به سر نمی شود از قاتل ای مسلمانان
(گ ۲۰۹ پ)

غزل ۹۶۲، بعد از بیت سوم:

چو چشمش گرچه بیمارم چو زلف آورد در کارم
به چشمش آرزو دارم چو زلفش درهم آشفتن
(گ ۲۱۶ ر)

غزل ۹۷۷، بعد از بیت ششم:

خلوت نشین ندیدم الا که در نمازش
بُت را نمی توانم جز در نماز دیدن
(گ ۲۰۹ ر)

غزل ۹۷۹، پس از بیت نهم:

دری دگر نگشاید جز آنک قسم برآید
به پای حرص چه باید به شرق و غرب دویدن
(گ ۲۱۷ ر)

غزل ۱۰۰۱، انتهای غزل:

چون گشت سودای دلم گفتم ز مبدأ گیرمش
پروانه سوزان ناسزا گشتم به دردی مبتلا
جایی گرفتارم که شد امیدم از جان منقطع
بازار او برهم زدم برخاست در آزار من
کز وصف آن عاجز شده نطق شکرگفتار من
تقدیرکی دیگر شود از کوشش بسیار من

۱. ت: یا.

۲. ت: بی من و یار.

۳. نزاری در جای دیگر نیز عیناً همین مضمون را به کار برده است:

نه یار با من و نه دل، چه گونه بی دل و یار
توان بُرید به تکلیف راه اردو را
(غزل ۴۴، ۵۴۰/۱)

نه یار با من و نه دل زهی دو دیده سخت
که با چنین سر و کارم عزیمت سفر است
(غزل ۲۲۹، ۷۷۸/۱)

کز حسن و ناز خویشان ننگ آید از دیدار من
از رنگ پروین ساخته مؤگان گوهر بار من
در عین حسرت اختران از چشم شب بیدار من
تا خود که خواهد کرد حل این مشکل دشوار من
(گ ۲۱۱ر)

خسروز شکر فارغ، شد باز بر شیرین
(گ ۲۱۴ر)

به دست دار و مشو همچو غافلان خودبین
(گ ۲۲۰پ)

متقبلم که دیگر نکند بتان سنگین
(گ ۲۲۱ر)

آنک تو مولی من باشی و من مولای تو
هر که را درسینه افتد آتش سودای تو
(گ ۲۲۳-۲۲۳پ)

دارد به راستی قدم استواژ سرو
(گ ۲۲۳پ)

چاره‌ای کن، بلغ السیل زبانه
(گ ۲۲۸ر)

با دلربایی چون کنم هم‌خانگی، کورا بود
شبها که هر شب داشته آهنگ یلدا تا سحر
لبها به دندان شاهدان از رشک ناز و حسن او
نه زهره نظاره‌ای نه درد دل را چاره‌ای

غزل ۱۰۲۵، بعد از بیت چهارم:
سیر آدم از منزل، آهنگ سفر کردم

غزل ۱۰۲۶، بعد از بیت:
شکستگان را از بهر تندرستی خویش

غزل ۱۰۳۱، بعد از بیت چهارم:
ورقی ز نقش رویت بیرم که بیش بتگر

غزل ۱۰۴۲، بعد از ابیات دوم و هفتم:
من به سلطانی درآرم گر فرود آید سرت
آبش از سر درگذشت و اختیار از دست رفت

غزل ۱۰۵۰، انتهای غزل:
الحق به راستی سخن از راستان نکوست

غزل ۱۰۶۲، بعد از بیت هفتم:
دست من گیر که پای از جا رفت

غزل ۱۰۶۸، بعد از بیت چهارم:

بیا نوبهارا به طرف گلستان
که بادش به خار جفا دیده خسته
(گ ۲۲۹ ر)

غزل ۱۰۷۳، بعد از ابیات سوم و هشتم:

تا روز ستاره^۱ می شمارد شب
چشمی که ندیدمش دمی خفته
جان پیش کش خیال او کردم
صد بار، نشد هنوز پذیرفته
(گ ۲۲۹ ر)

غزل ۱۰۸۳، بیت اول بعد از بیت اول و سه بیت بعدی بعد از بیت پنجم:

چندین که بر من می رود از آسمان جور و ستم
بر^۲ عاشقان از هیچ کس در هیچ دوران آمده؟
نی چرخ دیگر مثل او هرگز^۳ به دوران یافته
نی عقل را مانند او هرگز در امکان آمده
کوش که می گوید فلان کای جان من هر صبحدم
چون بی دلان در کوی تو از خلق پنهان آمده
باشد که روزی بینمت کز در آیی یا شبی
من مست بر بالین تو افتان و خیزان آمده
(گ ۲۲۶ ر - ۲۲۷ پ)

غزل ۱۰۸۵، پس از ابیات چهارم و پنجم:

گل خود از غنچه تا برون آمد
من ندانستمی و عشق از من
بر جهان جهنده خندیده
دیرگاه از تو باز پرسیده
(گ ۲۳۰ ر)

غزل ۱۰۹۲، بعد از بیت دوم:

ز چشمه های دو چشمم فضولی دل را
سرشکوار فروریختم دگر باره
(گ ۲۲۸ ر)

۱. نسخ: شماره.

۲. ت: از.

۳. ت: هرگز مثل او دیگر.

سـرزنش می‌کنند و بیغـاره
بی‌خبـر از^۱ دل جگرخـواره
(گ ۲۲۸ پ)

ازان چیرست در یغمـانغولـه
ازین سر در میانـی هـانغولـه
(گ ۲۲۷ ر)

هیچ دیگـر درین خرابـه سرای
(گ ۲۴۴ پ)

نامهربان مشوکـه به مهرم گزیده‌ای
در چشم من عزیزتر از نور^۳ دیده‌ای
با دوستان خود چو گل پژمریده‌ای
(گ ۲۲۷ ر)

نه چون راز دانان^۴ پیامی فرستی
(گ ۲۴۶ پ)

که چشم عقل تو اخلاص دیده‌ور کردی [؟]
(گ ۲۳۴ پ)

غزل ۱۰۹۳، بعد از بیت سوم:
گرچه یارانم از محبت تو
چه کنم کز غرور خود هستند

غزل ۱۰۹۸، بعد از بیت ششم:
به غارت کردنش بازو درازست
چو کاکل عاقبت از سر درآید

غزل ۱۱۱۹، بعد از بیت ششم:
گر میسر شود نمی‌خواهم

غزل ۱۱۲۷، بعد از بیت چهارم:
هر دم قبول کرده خود را مران ز پیش^۲
گر از سرم دو دیده برآری فدای تست
ای تازه‌تر ز لاله سیراب شرم دار

غزل ۱۱۳۷، انتهای غزل:
نه چون مهربانان سلامی نویسی

غزل ۱۱۵۷، انتهای غزل:
به کحل ماشطه درد عشق می‌خواهم

۱. ت: از

۲. ت: در

۳. ت: هر دو

۴. ت: رازداران

غزل ۱۳۱۳، پس از بیت چهارم:
مرا خود توقع نباشد، ولیکن

گرت هیچ رغبت بود می توانی
(گ ۲۶۲)

غزل ۱۳۹۱، بعد از بیت اول:
بس فتنه که برخیزد بس خلق که بفریبد
گر زلف بشورانی اسلام براندازی

گر پرده براندازی وز خانه برون آیی
ور غمزه بجنبانی دلها همه بر بایی
(گ ۲۷۱)

غزل ۱۴۰۷، بعد از بیت سوم:

دیر شد تا در حجابم از بهشت روی تو
بر امید عود می پاشم چو آدم دانه‌ای
آه اگر روزی چو دامن سر نهم بر پای تو
محرمی کوکز توام حاصل کند پروانه‌ای
هر چه از وصل تو می گویم محال اندیشه‌ای است^۱
این توقع کی کند عاقل مگر دیوانه‌ای
(گ ۲۳۳)

منابع

- ابوجمال، نادیه (۱۳۹۲). بقای بعد از مغول[: نزاری قهستانی و تداوم سنت اسماعیلی. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: نشر فرزانه روز.
- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن (۱۳۵۱). فرهنگ جهانگیری. ویراسته رحیم عقیقی. مشهد: دانشگاه مشهد.
- بایبوردی، چنگیز غلامعلی (۱۳۷۰). زندگی و آثار نزاری. ترجمه مهناز صدری. تهران: علمی.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۸۷). بهارستان. به تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: اطلاعات.
- حسن بن محمود کاتب (۱۳۹۰). دیوان قائمیات. با تصحیح و مقدمه انگلیسی سید جلال حسینی بدخشانی و مقدمه فارسی محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: میراث مکتوب، با همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن.

۱. ت: اندیشه نیست

- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۶). «مکتبه المدینه المنوره العامه». نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر پنجم. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران، جلد اول. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۸). «کتابخانه شچدرین در شهر لنینگراد». نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر هشتم (نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی). تهران: دانشگاه تهران.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، جلد پانزدهم. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- رفیعی، حسین (۱۳۷۸). «کتابخانه سالتیکوف شچدرین». میراث شهاب، س ۵، ش ۲ (پیاپی: ۱۶): ۵۴-۶۲.
- شفیع‌کدکنی، محمدرضا. مقدمه ← حسن بن محمود کاتب.
- صائب، محمدعلی (۱۳۸۵). سفینه صائب (چاپ عکسی نسخه خطی کتابخانه دانشگاه اصفهان به شماره ۱۰۷۷۵). به کوشش صادق حسینی اشکوری. قم: مجمع ذخایر اسلامی (با همکاری دانشگاه اصفهان).
- کاتبی ترشیزی، محمدبن عبدالله. دیوان. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۶۱۵.
- مجموعه ۷۲۸ق. نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه، شماره ۴۸۱۹.
- مصفا، مظاهر. مقدمه ← نزاری (۱۳۷۱).
- منزوی، احمد (۱۳۵۰). فهرست نسخه‌های فارسی، جلد سوم. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- نزاری قهستانی (۱۳۷۱). دیوان (جلد اول). به تصحیح مظاهر مصفا. به نفعه و اهتمام محمود رفیعی. تهران: علمی.
- _____ (۱۳۷۳). دیوان (جلد دوم). تهران: نشر صدوق.
- _____ (۱۳۷۱). کلیات. نسخه خطی کتابخانه سالتیکوف شچدرین، شماره ۴۱۵.
- _____ (۱۳۶۵). کلیات. نسخه خطی کتابخانه چوروم حسن‌پاشا، شماره ۱۹۵۵.
- _____ (۱۳۶۲). کلیات. نسخه خطی کتابخانه انستیتوی زبان و ادبیات فرهنگستان علوم تاجیکستان، شماره ۱۰۰.
- نظامی گنجوی (۱۳۶۲). دیوان قصاید و غزلیات. به کوشش سعید نفیسی. تهران: انتشارات فروغی.

- وحید دستگردی، حسن (۱۳۱۷). گنجینه نظامی. تهران: [نشریه] یادگار و ارمغان.
- Dorn, B, (1852). *Catalogue des Manuscrits et xylographes orientaux de la bibliotheque imperiale publique de st.petersburg, st.petersburg.*
 - Springer, M.D, (1854). *Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany Manuscripts of the libraries of the king of oudh, Calcutta.*

